وضعیت اسلام در فرانسه ر گفت و گو با دکتر محمد البشاری

عبدالنبی الشراط - ترجمه: غلامحسین ابراهیمی

اشاره:

روزنامه «الوطن » با بهره گیری از مقالات و گفت و گوهای مطبوعاتی، از تمام فرصتها جهت معرفی و شناساندن مسائل جهان اسلام و خصوصا مسئله اقلیتهای مسلمان استفاده می کند.

بر این اساس، «الوطن » جهت آشنایی هرچه بیشتر با مسائل اقلیت اسلامی فرانسه، با استاد دکتر محمد البشاری، رئیس فدراسیون عامه مسلمانان فرانسه، گفت و گویی انجام داده است، که نظر خوانندگان را به آن جلب می نماییم.

به عنوان اولین سؤال، خواهشمند است به طور خلاصه به معرفی فدراسیون مسلمانان فرانسه بپردازید؟

فدراسیون عامه مسلمانان فرانسه در سال 1985 به دنبال تشکیل کنفرانس بزرگی با شرکت نمایندگان گروههای فعال اسلامی فرانسه، در تلاش برای کاهش سلطه اعمال نفوذ الجزایر بر گروهها و جوامع اسلامی فرانسه تاسیس شد. کنترل الجزایر بر مسائل و جامعه اسلامی فرانسه بیشتراز طریق "شیخ عباس"، تولیت مسجد پاریس، صورت می گرفت.

اولین کنفرانس تاسیس فدراسیون با حمایت مالی در سازمان جهانی اسلام (3) (و با دبیر کلی دکتر عمر نصیف و با رکت بزرگانی چون پروفسور حمید والله تشکیل شد در خلال این کنفرانس، دفتر اجرایی و شورای ملی و ریاست فدراسیون انتخاب شد، به طوری که شیخ یعقوب روتی (مسلمان فرانسوی الاصل)، به عنوان اولین رئیس فدراسیون و طی کنفرانس هی بعدی، افراد دیگری به عنوان رؤسای فدراسیون انتخاب شدند.

به این ترتیب، آقایان «ایوب لوسیور» (فرانسوی الاصل) و «دانیل یوسف لوکلیر» (فرانسوی الاصل) و مصطفی دوغان (فرانسوی ترکی الاصل) به عنوان رؤسای دوم، سوم و چهارم فدراسیون انتخاب شدند و در نهایت به دنبال انعقاد کنفرانسهای دهم و یازدهم فدراسیون در سالهای 1993 و 1995، بنده در دو دوره متوالی، به عنوان رئیس فدراسیون مسلمانان فرانسه انتخاب شدم.

فدراسیون، متشکل از گروهها و مؤسسات اسلامی است که برپایه دموکراسی و انتخابات آزاد عمل می نماید و برابر با فصل دوم اساسنامه آن، نمایندگی گروههای اسلامی فرانسه و وظیفه دفاع از مسلمانان فرانسه و حقوق بشر را بدون هیچ گونه وابستگی و گرایش سیاسی برعهده دارد.

از سخنان شما چنین برداشت می شود که فدراسیون در گذشته به واسطه رؤسای آن، دارای گرایشان ویژه ای بوده، به طوری که از صوفی گیری شروع شده و به وهابی سلفی و اسلام گرایی در ترکیه ختم شده است؟ در دوران ریاست جنابعالی فدراسیون از چه موضعی برخوردار می باشد؟

سؤال خوبی است. حقیقت این است که مقتضیات جهان اسلام به طور عام و فعالیت اسلامی در فرانسه به طور خاص، منجر به این شد که اعضای حاضر در کنفرانس، آقای «یعقوب روتی » را به این دلیل که جبهه مخالف در مسجد پاریس را تشکیل می داد، به عنوان اولین رئیس فدراسیون انتخاب نمایند، ولی بعدها به دلیل عدم تسلط وی بر فدراسیون و سهل انگاری وی در مسائل و امور مربوط به فدراسیون، آقای «دانیل » به جای او تعیین شد. رئیس اول فدراسیون، یعنی «یعقوب روتی »، به سبب ویژگیهای شخصیتی و فکری اش، گرایشات صوفی منشانه ای داشت و رئیس بعدی آن، یعنی «دانیل » که جوانی فرانسوی الاصل که از اعضای شورای تاسیسی سازمان جهانی اسلام از مکه مکرمه بود، دارای گرایشات سلفی گری و وهابی بود و دوران ریاست "دانیل" بر فدراسیون، همزمان با مسائل حجاب و گسترش گرایشات رادیکالی " جبهه نجات اسلامی الجزایر" بود; به طوری که دانیل هم به عنوان همراهی با این جنبش، با رهبران جبهه نجات یعنی «علی بلحاج » و «عباس مدنی » دیدار کرد و موضع گیری وی در جریان جنگ دوم خلیج فارس که در حقیقت همان موضع گیری سعودیها بود، باعث شد که فرضیه حمایت سعودیها از وی و وابستگی وی به سعودیها، بیشتر روشن شود، به طوری که حتی با انتقادات فراوانی از سوی فرانسویها نیز روبه رو شد.

دوران ریاست آقای «مصطفی دوغان » که در حقیقت یک نوع دوران انتقالی محسوب می شود، به دلیل گرایشات سیاسی وی، بیشتر معطوف به مسائل اسلام گرایان ترکیه و دفاع از حزب رفاه و رئیس آن «نجم الدین اربکان » شده بود.

در کنفرانس دهم، کمیته های ویژه و عمومی کنفرانس، به ارزیابی مراحل قبلی کار فدراسیون پرداخته، ضمن انتقاد از گرایشات گذشته فدراسیون و انحرافات حاصله در آن به این نتیجه رسیدند که بنده (محمد بشاری) را به عنوان رئیس جدید فدراسیون معرفی نماید، اگرچه در کنفرانس یازدهم هم مجددا برای دور دوم نیز انتخاب شدم.

از زمانی که بنده به ریاست فدراسیون برگزیده شدم، به همراه سایر فعالان اسلامی، تلاشهایمان را در موارد زیر متمرکز کردیم:

1- تلاش در جهت نهادینه کردن فعالیت اسلامی و دعوت به خیر و اینکه بحث اسلام در فرانسه ضمن حفظ استقلال خاص خود، نسبت به مسائل سرنوشت ساز جهان اسلام نیز بی تفاوت نباشد.

2- سعی ما بر این بوده که فعالیت اسلامی در فرانسه به دور از گرایشات سیاسی باشد و تلاش نموده ایم که از دسته بندیها و گروه بندیهای سیاسی در جهان اسلام اجتناب نمائیم.

3- کوشش در جهت گسترش و ترویج گفت و گوهای دینی - تمدنی، خصوصا گفت و گوی اسلام و مسیحیت.

4- فعالیت در چهارچوب احزاب و سندیکاهای فرانسه و اثبات این امر که "مسلمان صالح و شایسته می تواند شهروند صالح و شایسته نیز باشد".

5- حفظ استقلال فدراسیون از حکومت های اسلامی.

عملکرد فدراسیون را در دو دوره ریاست بر فدراسیون چگونه ارزیابی می کنید؟

برای اولین مرتبه در تاریخ فعالیت اسلامی فرانسه، ضمن برگزاری سمینارها و دیدارهای پارلمانی، گفت و گوهای مهم و مؤثری بین فعالان اسلامی فرانسه و تصمیم گیرندگان سیاسی فرانسه انجام گرفته است و به دلیل موقعیت کاری بنده و عضویت در بعضی از سازمانها و مؤسسات رسمی فرانسه، ضمن برقراری ارتباط با شهرداریها و ادارات مربوطه، توانستیم مجوز احداث تعدادی مسجد و مرکز اسلامی را کسب نموده، عملیات ساختمانی و بهره برداری از آن را به اتمام برسانیم و بحمدا... در بسیاری از مناطق فرانسه، مراکز اسلامی و مساجد فعال می باشند. به طور مثال، از نظر حقوقی، ما تلاش نمودیم که مساله حجاب، سیاسی نشود، بلکه از بعد حقوقی و قانونی به آن نگاه کردیم و بدور از مسائل سیاسی، آن را به محاکم مربوطه ارجاع دادیم و در نهایت، شورای عالی دولت در خصوص مساله حجاب چنین نظر داد که حجاب به تنهایی دعوت به تعصب دینی نیست و از این رو، تعداد بسیاری از دختران محجبه به کلاسهای درس خود باز گشتند.

از نظر نژادی، ما توانستیم شخصی به نام «بریجیت باردو» را که خواهان ضربه زدن به اسلام و تحریف و تخریب چهره اسلام بود، در مراجع قضایی محکوم نماییم. در سطح داخلی نیز توانستیم نظارت بر سنت ذبح شرعی مسلمانان را که قبلا توسط متولی مسجد پاریس صورت می گرفت، خود برعهده گیریم. علاوه بر آن، برنامه و طرح وزیر کشور فرانسه، «باسکوا» را مبنی بر ایجاد شورای نمایندگی مسلمانان فرانسه تحت نظارت مسجد پاریس، خنثی نمودیم.

آنچه که ذکر شد، اهم فعالیتهایی بود که فدراسیون با هدف خدمت به اسلام و توجه به منافع و مصالح مسلمین به انجام رسانده، با علم بر اینکه ما خود را تنها نماینده اسلام فرانسه ندانسته و قصد هم نداریم که فعالیت اسلامی فرانسه را در انحصار خود در آوریم، بلکه فدراسیون را تنها سازمان اسلامی فرانسه می شناسیم که جهت گیری و سیاست میانه روی در اسلام را در پیش گرفته است.

در این صورت، شمابه اسلام فقط به عنوان یک «دین صرف » نگاه می کنید نه مجموعه دینی، آیا منظور شما این نبوده است؟

این موضوع را می توان از بعدی دیگر مورد توجه قرار داد. چنانچه می دانید حکومت فرانسه طبق قانون 1905، لائیک بودن، طبق قانون، کلیسا از دولت جدا می باشد و نص قانون است که جمهوری فرانسه هیچ دین خاصی را دین رسمی کشور نمی داند، ولی با این وجود، ادیان مسیحی و یهودی را به رسمیت شناخته است و متاسفانه دین اسلام چون در آن زمان به عنوان دینی تاثیر گذار مطرح نبوده، نتوانسته مانند ادیان دیگر، از امتیازات قوانین فرانسه خصوصا در زمینه تدریس که ادیان مسیحی و یهودی در برنامه آموزشی کشور گنجانده شده اند، بهره مند شود.

ظهور اسلام در فرانسه به دنبال مهاجرت مسلمانان جهت کار و ادامه تحصیل یا تجارت مطرح شد که بیشتر می توان آن را «اسلام مردمی » نامید. در خصوص مسجد پاریس هم لازم است در پرانتز ذکر کنم که اولین بار این مسجد در سال 1926 توسط "ملک سلطان مولای"، پادشاه مراکش، تاسیس شد و با حضور مارشال «لیوطی » و با تولیت علامه شیخ «سی قدور بن غبریط » فعالیت رسمی خود را آغاز کرد.

شیخ غبریط در فاصله سالهای 1926 تا 1954 تولیت و نظارت بر امور مسجد پاریس را برعهده داشت و بعد از وی، فرزندش «سی احمدبن قدوربن غبریط » تولیت مسجد را به مدت 3 سال برعهده داشت که در سال 1957 مجبور به ترک فرانسه شد، این امر به دلیل تیرگی روابط فرانسه و مراکش بود; چرا که این ایام مصادف با اواخر دوران استعمار فرانسه در مراکش و همزمان با تبعید ملک محمد پنجم مراکش و برکناری اجباری وی از تاج و تخت و تبعید به ماداگاسکار بود.

حکومت فرانسه بعد از اخراج «شیخ احمد بن قدور»، شیخ «حمزه ابوبکر»، پدر متولی فعلی مسجد (دلیل بن بوبکر) را به تولیت مسجد انتخاب کرد تا بدین صورت، فعالیتهای مسجد پاریس در راستای منافع فرانسه هدایت شود.

بنابراین، مسجد به طور دائم تحت سیطره و دنباله رو سیاستهای استعماری فرانسه قرار گرفت. در فاصله سالهای 1957 تا 1982، «حمزة بوبکر» الجزایری تولیت مسجد را برعهده داشت که بعد به نفع شیخ عباس حسینی (الجزایری الاصل) از تولیت مسجد کناره رفت. در سال 1982 نیز الجزایر، دکتر تیجانی هدام را برای سرپرستی و نظارت بر امور مسجد پاریس برگزیند که وی تا سال 1992، یعنی تاریخ لغو انتخابات الجزایر، متولی امور مسجد بود. از سال 1992 به بعد، فرانسه دوباره توانست با انتخاب «دلیل بوبکر» نفوذ و کنترل خود را بر امور این مسجد به دست آورد، چرا که خاندان «حرکی » یعنی «شیخ حمزة بوبکرحرکی » و فرزندش «دلیل بوبکر حرکی » مزدور و وابسته استعمار فرانسه بودند و فرانسه با انتخاب "دلیل بوبکر" نشان دادکه خواهان اجرای اسلامی است که تامین کننده منافع آن کشور باشد.

بعد از این توضیحات، به وضعیت اسلام در فرانسه و خصوصا به سؤال شما در رابطه با نوع نگرش به اسلام می پردازم. سعی ما بر این است که برخورد و نگرش دستگاههای رسمی و دولتی فرانسه نسبت به اسلام، به عنوان یک دین آسمانی باشد ونه به عنوان مجموعه ای بشری که از طریق سفارت خانه کشورهای اسلامی هدایت می شود; چرا که ظهور نسل دوم و سوم و جمع زیادی از تازه مسلمانان، به اسلام قدرت و موقعیت ویژه ای در فرانسه بخشیده است.

اگر فرانسه و کشورهای اسلامی وضعیت اقلیتهای اسلامی را درک کنند و به آنها فرصت اعطای نقش حقیقی شان را بدهند، اولا قدرت این اقلیتهای اسلامی در حقیقت قدرت کشورهای اسلامی است. ثانیا، به نفع کشور فرانسه می باشد. بنابراین، اقلیت و گروههای اسلامی حتی در سایه حاکمیت نظام جهان شمولی و تسلط آمریکا بر اقتصاد جهانی، دارای نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد.

آیا شما با مؤسسات و سازمانهای موجود و فعال در جهان اسلام همکاری می کنید؟

بله، سعی ما بر این است که در هر چیزی که خیر و منفعت همگانی است، با دیگر سازمانهای اسلامی همکاری داشته باشیم.

نمونه آن همکاری موجود بین فدراسیون و وزارت اوقاف و امور خیریه مغرب می باشد، به طوری که این وزارت ضمن برگزاری دوره های آموزشی ویژه برای خطبای جمعه فرانسه در مسجد حسن دوم در شهر دارالبیضاء، وعاظ و خطبای ویژه ای را درماه مبارک رمضان به فرانسه اعزام می نماید و ضمن ارسال قرآن، باقی احتیاجات ما از جمله کتب اسلامی و نوارهای سخنرانی دینی رابرای ماتامین می کنند.

موضع شما در قبال مسائل اسلامی و عربی چه می باشد؟

ما تلاش می کنیم که از هر فرصتی جهت حمایت از مسائل جهان اسلام و اعلام همبستگی با مسلمانان جهان و خصوصا مسلمانان فلسطین و کشمیر استفاده نمایم و ضمن رد هر گونه تجاوز به سرزمینهای اسلامی، بارها ادامه تحریم ملت عراق و لیبی و همچنین تجاوز آمریکا به سودان را محکوم کرده ایم.

ما ضمن بهره گیری از موقعیت دینی خویش در فرانسه، همواره سیاستمداران فرانسوی را به اتخاذ سیاست حکیمانه و دوستانه با کشورهای عربی و اسلامی تشویق نموده ایم و فرانسه را به دلیل پیشینه تاریخی - فرهنگی اش و ارتباط تاریخی با جهان اسلام، برای ارتباط با جهان عربی - اسلامی شایسته تر از هر کشور دیگر می دانیم.

از این رو، سعی کرده ایم که با ارتباط با سیاستمداران فرانسوی تصویر درستی از مسائل جهان را ارائه دهیم و در این رابطه با اطمینان می توانم بگویم که سیاست رئیس جمهور «ژاک شیراک » در خصوص مسائل جهان اسلام همراه با فهم و درک صحیح از آن مسائل می باشد و به عقیده من او می تواند دوست خوبی برای اعراب و مسلمانان باشد. از سوی دیگر، ارتباط و همکاری با فرانسه به نفع کشورهای عربی و اسلامی است.

بعد از این گفت و گوی طولانی به دور پنجم «شورای بیداری اسلامی » برمی گردیم که جنابعالی در آن شرکت داشتید؟ ارزیابی شما در خصوص فعالیتهای این شورا چیست؟

«شورای بیداری اسلامی » زمینه لازم را برای بحث و تبادل آرا و نظرات مختلف فراهم می کند و در این دوره هم به بحث و بررسی «موضوع زن و حقوق آن در اسلام » پرداخته شد و توانست آن را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار دهد و خواهان تصویری صحیح، منطقی و عملی از این موضوع در چهار چوب فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

مشارکت اقلیتهای مسلمانان اروپا، بیانگر این است که هر گونه بحث و نظر در خصوص مسائل اسلامی، باید وضعیت اقلیتهای مسلمانان و موضع آنها در نظر گرفته شود. زنان مسلمان در غرب، با نوعی تزلزل و ناآرامی شخصیتی و نبود مرجعیت دینی، به همراه مردان مسلمان، طعمه های مناسبی برای مدعیان فساد هستند.

آیا در این دوره، «شورای بیداری اسلامی » به اهداف خویش دست یافته است؟

مهمترین هدفی که شورا به آن دست یافته، جمع نظرات متفاوت و گروههای مختلف می باشد و همچنین پیشنهاد دکتر «عبدالکبیر العلوی المدغری »، وزیر اوقاف مغرب، در رابطه با «پیوند احوال خانوادگی » بحثهای زیادی را بین اسلام گرایان و لائیکهای غربزده به دنبال داشته است. او همچنین با بحث عقد نکاح مشروط خواسته است که موضوع را به اهل فن، یعنی علمای اسلامی ارجاع دهد.

قبل از خاتمه این گفت و گو، خواهشمند است نظرتان را در خصوص مساله که بحث برانگیز است، یعنی در گفت و گوی اسلام و مسیحیت، بفرمائید؟

تا زمانی که طرفین گفت و گو از شرایط مساوی برخوردار نباشند، بحث و گفت و گو بین آنها معنایی ندارد; چرا که غرب از موجودیت قوی و اقتصادی سیاسی منسجمی برخوردار می باشد که متاسفانه کشورهای اسلامی از این وجودیت بی بهره اند و همواره در حال پراکندگی و اختلاف می باشند. از طرف دیگر، غرب به دلیل انحصار تکنولوژی و صنعتی، همواره از این ابزار جهت تحقیر دیگر کشورها استفاده می کند. همچنین کشورهای غربی بر محور واتیکان جمع می باشند، اما کشورهای اسلامی از هیچ موضع واحدی برخوردار نیستند و هر یک از آنها موضع خاص خویش را دارد، از این رو، فرصتهای گفت و گو بین اسلام و مسیحیت به نظر من نابرابر و نامساوی است.

منبع: الوطن، شماره 31، 15/1/199.

پی نوشتها:

1. دکتر محمد بشاری از مسلمان فرانسه بوده که دارای اصلیت مراکشی می باشد. و در خلال برگزاری دهمین کنفرانس گروههای فعال اسلامی فرانسه در سال 1993 به عنوان پنجمین رئیس فدراسیون عامه مسلمانان فرانسه برگزیده شد که مجددا در سال 1995 با اجماع نظر شرکت کنندگان یازدهمین کنفرانس گروههای فعال اسلامی فرانسه، به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شد.

2. کارشناس دفتر تحقیقات الاسلامی

3. الرابطة العالم الاسلامی